

#### ■ احمد رضا صدیقی

۶۸ سال پیش در چنین روز‌هایی، روابط ایران با دولت استعماری انگلستان که از سرزند نهضت ملی ایران قطع شده بود، مجدداً توسط دولت فضل‌الله زاهدی برقرار شد. بسیاری این تجدید رابطه را معادل بر یادادن دستاوردهای نهضت ملی ایران دانستند، چرا که در پی آن از پدیده کنسر سیوم نفت پرده‌برداری شده‌اد. مقال پی آمده، پاره‌ای اسناد و نکات درباره این رویداد تاریخی، مورد بازخوانی قرار گرفته است. امید آنکه تاریخ‌پژوهان معاصر و عموماً علاقه‌مندان را مفید و مقبول آید.

■■■■

#### ■ دولت انگلیس در برابر ایران، دست به ارعاب و اخافه زده است!

اهمیت ماجرای تجدید ارتباط ایران با انگلستان، منوط به بازخوانی علل تاریخی این قطع رابطه است. توضیح آنکه: رهبران نهضت ملی ایران از سر بیکاری، عوام‌فریبی یا هوسرانی، دست به قطع رابطه زده بودند که تجدید آن، امری مثبت یا ضروری قلمداد شود. سران انگلستان از بدو آغاز جنبش استقلال‌طلبانه ملت ایران با آن به معارضه پرداختند و راهی برای سازش و مصالحه باز نگذاشتند؛ دکتر محمد مصدق در نامه مورخ ۲۴ مهر ۱۳۳۱ خویش به نمایندگان مجلس شورای ملی از علل تصمیم دولت ایران مبنی بر قطع ارتباط با دولت انگلیس، این‌گونه برده برمی‌دارد:

«جنبش ملی ایران از روز اول با کارشکنی‌ها و تحریکات عوامل شرکت سابق و دولت انگلیس، در داخل و خارج کشور روبه‌رو گردید. این تلاش‌ها و تشبثات، زحمات فوق‌العاده برای ما فراهم کرد، ضمناً به آبروی خود آنها نیز لطمه زد، زیرا هریک از این تشبثات، پرده تازه‌ای از روی رفتار ظالمانه زورمندان برداشت و چهره سیاست استعماری آنان را بیشتر نمایان ساخت. با مختصر تأملی آقایان به خاطر خواهند آورد که از روز ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ تا امروز که فریب ۱۱ماه از اولین تصمیم مجلس ایران می‌گذرد، چه مشکلاتی در راه موفقیت ما به وجود آمده و تا چه حد دامنه تحریک و آشوب و اغتشاش را فقط به خاطر منفعت‌طلبی و استفاده‌جویی توسعه داده‌اند.

پس از آنکه صنعت نفت در مجلسین ملی تصویب شد و ملت ایران به این آرزوی خود رسید. دولت انگلیس برای جلوگیری از اجرای آن، نخست دست به ارعاب و اخافه زد و بر خلاف شرایط دوستی‌ای که پیوسته از آن دم می‌زد، ملت صلح‌دوست ما را به سزای آنکه از یکی از حقوق اولیه خود استفاده کرده بود، حمله به کشتی‌های موریش، فلامنکو، قوای زمینی و دریایی و هوایی متمرکز در دور و نزدیک مرزهای ایران تهدید کرد. ملت ایران که در راه رسیدن به آمال ملی خویش، برای تحمل هرگونه سختی و مشقت خود را آماده کرده و در این راه تا پای جان ایستاده بود، از این تهدیدات باکی نداشت... اکنون با این توضیحات، آقایان نمایندگان محترم تصدیق می‌فرمایند که دولت اینجناب تا آنجا که ممکن بوده سعی و مجاهدت خود را برای حل اختلاف به کار بسته، ولی با کمال تأسف دولت انگلیس تاکنون مانع از حصول توافق شده و ملت ایران را برخلاف موازین بین‌المللی، همچنان در فشار اقتصادی قرار داده است و اکنون نیز با ادامه مکاتبات بی‌حاصل، می‌خواهد از مرور زمان به نفع خود استفاده کند و ما را از تعقیب روه اقتصادی دیگری که باعث نجات و فلاح مردم ایران باشد، باز دارد. هرچند درباره روش دولت نسبت به حل موضوع نفت، در گزارش سابق به عرض مجلسین رسیده و در آن تصریح شده است: هر‌گاه نتیجه آخرین پیشنهاده و گذشت‌های دولت اینجناب اثر مطلوب و متربیق را نداشته باشد، ناچار باید رویه دولت انگلستان را مخالف با شرایط دوستی که پیش‌تر همیشه از طرف دولت ایران رعایت می‌شده، بدانیم و روابط سیاسی موجود را بی‌اثر بشناسیم و آقایان نمایندگان محترم نیز با آن موافقت فرموده‌اند...»

#### ■ بازگشایی سفارت انگلستان، انجام وظیفه دولت کودتا!

بی‌تردید خدای که هم‌اینک به بررسی آن می‌پردازیم در زمره اهداف اولیه کودتای ۲۸مرداد ۱۳۳۲ به شمار می‌رود. دولت زاهدی برای آن به صدارت رسید که راه را بر بازگشت انگلستان باز کند و دست تظاول غارتگران نفتی را دوباره بر ثروت خددادادی ایرانیان بگشاید! سیدمحمد موسوی‌زاده پژوهشگر تاریخ معاصر ایران، در این‌باره معتقد است:

«برقراری روابط سیاسی با انگلستان، برگزاری انتخابات مجلسین شورایی ملی و سننای برای تصویب قرارداد کنسرسیوم، اهم اقدامات دولت کودتا بود. سوم آذر ۱۳۳۲ (۲۴مهر ۱۹۵۳)، سه ماه و شش روز پس از براندازی ۲۸مرداد، دنیس رایت دیپلمات انگلیسی برای بازگشودن سفارت این کشور در تهران با ۱۴ دیپلمات و کارمند وارد تهران شد. در همین روز عبدالله انتظام، وزیر امور خارجه اعلام داشت: ایران مالیه به تجدید مناسبات با انگلستان است، به شرط اینکه انگلستان خودش را با نظرات ایران درباره مسئله تطبیق بدهد و این مسئله را با روحیه انصاف و احترام متقابل تلقی کند...» ۱ روز بعد، اعلامیه دولت‌ست مبنی بر تجدید مناسبات سیاسی انتشار یافت. در بیانیه‌ای که از سوی دولت زاهدی انتشار یافت، آمده است: دولتین انگلیس و ایران تصمیم گرفته‌اند روابط سیاسی برقرار سازند و هر یک به زودی سفیر به کشور دیگر اعزام دارند، سپس در نزدیک‌ترین موقعی که مورد موافقت طرفین باشد، در باب حل اختلافات مربوط به نفت که اخیراً موجب تیرگی روابط بین آنها شده باشد، شروع به مذاکرات کنند و به این طریق دوستی دیرینه خود را محکم سازند... زاهدی برای اینکه احساسات مردم را تحریک نکند، به لندن پیشنهاد کرد: جمله‌ای در اعلامیه مشترک مربوط به تجدید مناسبات بین دو کشور، به شرح ذیل بگنجانند: با در نظر گرفتن احساسات ملی مردم ایران درباره منابع طبیعی کشور شان، باید به راه‌حلی دست یافت که براساس عدالت، انصاف و شرافت باشد و منافع هر دو طرف را حفظ نماید... این اولین ضربه‌ای بود که ملت در سیاست خارجی احساس



زنده‌یاد آیت‌الله سیدابوالقاسم کاشانی

اعلام از سرگیری روابط دولت ایران با انگلستان، در میان مردم و رهبران سیاسی منتقد، بازتابی گسترده داشت. آنان از حاکمیت سؤال می‌کردند: دولت انگلستان در مشی سیاسی خویش در قبال ما، چه تغییری داده که باید چنین هدیه‌ای به آنان تقدیم شود؟ در این میان، یکی از مهم‌ترین مخالفت‌ها، از سوی آیت‌الله سیدابوالقاسم کاشانی ابراز شد. وی در مصاحبه‌ای به صراحت اعلام کرد: روز تجدید رابطه ایران با انگلستان، عزای عمومی است و باید به این مناسبت و در معابر عمومی، پرچم سیاه نصب شود!

تجدید ارتباط با انگلستان، معادلی برای امحای دستاوردهای نهضت ملی ایران

## روزی که دولت تجدید رابطه را

## اعلام کند، عزای ملی است!

می‌کرد و این در شرایطی بود که دولت نفس‌ها را در سینه‌ها حبس کرده بود و دستگاه رادیو در خدمت دولت در آمده و روزنامه‌ها، همه جز تیغز نمجید خود را دولت سخنی نداشتند. در همان روز ژنرال زاهدی نخست‌وزیر دولت کودتا در یک نطق رادیویی، تجدید مناسبات ایران و انگلستان را امری ضروری و لازم اعلام کرد. سر نوشت چنین مقدر کرده بود که ورود دنیس رایت کاردار موقت انگلیس به ایران در ۳۰ آذر ۱۳۳۲، مصادف با محاکمه دکتر مصدق

در دادگاه نظامی تهران باشد. دولت ایران نیز در ۲۴ دی‌ماه، امیر خسرو افشار را به عنوان کاردار به لندن فرستاد. در ۴پهمن‌ماه نیز اعلام شد: لندن با پذیرش

علی سهیلی، به عنوان سفیر در دربار انگلستان موافقت کرده است. سهیلی نخست‌وزیر زمان جنگ، قبلاً نیز در لندن سفیر بود و در دی ۱۳۳۰، مقابل با تعطیلی کنسولگری‌های انگلیس در ایران، احضار شده بود. او همان کسی بود که آنتونی ایدن وزیر امور خارجه انگلستان در خاطراتش می‌نویسد:

انگلیسی‌ها از اینکار امریکایی‌ها در تجدید مذاکرات و دادن کمک‌های مالی به ایران راضی نبودند؛ به همین دلیل هارولد سفیر انگلیس در واشنگتن، در مذاکره با هنری بی‌رود معاون وزارت خارجه امریکا، نگارانی خود را از ادامه کمک‌های مالی به دولت زاهدی ابراز داشت و خاطر نشان کرد: کمک‌های زیاد واشنگتن، علاقه‌مندى دولت ایران را برای حصول توافق درباره نفت، تضعیف خواهد کرد... با این حال وزارت خارجه برتانیای عقیده داشت که دیگر نخواهد توانست انحصار خود را بر نفت ایران، تجدید کند و ناگزیر است برای بهره‌برداری از نفت کشورمان، ترتیباتی با کمپانی‌های نفتی امریکایی فراهم سازد، اما سررویلیام فریزر مدی‌رکل شرکت سابق، از این موضوع سخت‌ا برز نگرانی کرد و عقیده داشت اگر پای امریکایی‌ها به میان کشیده شود، به حیثیت شرکت لطمه وارد خواهد آمد؛ در ضمن به دستور زاهدی، کمیسیون‌ی از مشاوران مخصوص

## عاریخ

تاریخ ۸۸۴۹۸۴۳۷

### پیش‌خواب

خوانشی تاریخی از نفوذ نیهیلیسم غربی

به ساحت اندیشه و عمل شرقی

### مسئله‌ای با اهمیت «آسیادار برابر غرب»

##### ■ محمدرضا کاشانی

اثری که هم اینسک در باب آن سخن می‌رود، در زمره آثاری است که مواجهه نظری و عملی آسیا با غرب را هم گزارش می‌کند

و هم چاره‌اندیشی. داریوش شایگان در دوران پیش‌از پریوزی انقلاب اسلامی به چنین مباحثی دل داده بود و هم از این روی «آسیادار برابر غرب» را به نگارش درآورده است. وی در دیباچه این اثر «کتاب آسیاد در برابر غرب شامل دو بخش است: نیهیلیسم و تأثیر آن بر تقدیر تاریخی تمدن‌های آسیایی و موقعیت تمدن‌های آسیایی در برابر سیر تطور تفکر غربی. چنانکه از عنوان بخش نخست این رساله برمی‌آید، این دید ناظر بر سیر نزولی تفکر غربی است که برخی از متفکران بزرگ، آن را نیهیلیسم (نیست‌انگاری) نامیدند. هنگامی که می‌گوییم نزولی، غرضی داریم و آن اشاره به بستر تحول تفکر غربی است که سیری منظم از زبر به زیر از تفکر شهودی به جهان‌بینی تکنیکی و از آخرت‌نگری و معاد به تاریخ‌پرستی داشته است. حکم کردن به اینکه این تطو در جهت پیشرفت بوده است یا سقوط، وابسته به دیدی است که ما از تاریخ و سرنوشت بشریت داریم. غرض چندین ساله ما در ماهیت تفکر غربی که از لحاظ یوبایی، تنوع، غنای مطلب و قدرت محسوس‌کننده، پدیده‌های تک و استثنایی بر کره خاکی است، ما را به این امر آگاه ساخت که سیر تفکر غربی، در جهت بطلسان درجه‌ی جمله معتقداتی بوده‌است که میراث‌عنوی تمدن‌های آسیایی را تشکیل می‌دهند. تمدن‌های آسیایی در وضع کنونی‌شان، در دوره فترتند، دانستن

دکتر داریوش شایگان، در یک گفت‌و شنود مطبوعاتی، در واپسین سالیان حیات

اینکه این دوره فترت چگونه است و چه ماهیتی دارد، موضوعی است که می‌خواهیم در این رساله بشکافیم و بکاویم. تمدن‌های آسیایی خواه‌ناخواه مقهور نیروی کوبنده‌های هستند که در نحوه صدور و تکوینش، کوچک‌ترین دخالتی نداشته‌اند. علت اینکه این جریان، یعنی نیهیلیسم، در متن تمدن غربی متحقق گشت و به تدریج قوت یافت و سرانجام جهانگیر شد، تصادفی نیست، زیرا نطفه این دگرگونی از همان آغاز طلوع این تفکر، در دوگانگی ضمیر در ساخت بنیادیش نهفته بوده است. آگاهی یا ناآگاهی تمدن‌های آسیایی، از ماهیت تفکری که بر آنان تسلط یافته است، در سر‌نوششان مؤثر است. حتی اگر معتقد باشیم که نیهیلیسم، مصنوع ذهن متفکران خیال‌پرداز است، باز مطرح کردن این برای ما ضروری است و ضروری از آن رو که ما ناگاهانه بسیاری از مفاهیم تفکر غربی را از راه تفکر غربی سیرری را پیموده که جهت‌بینش آن را از دیات به امور دنیوی سوق داده است، پس نتیجه می‌گیریم که تمدن‌های آسیایی نیز به سبب اینکه دچار این وسوسه شده‌اند، به تدریج همین سیر نزولی را خواهند پیمود یا احتمالاً می‌پیمایند، ولی باز روشن شدن این قضیه، ماهیت فعلی این تمدن‌ها را معلوم نمی‌کند، زیرا گفتن اینکه آسیا به مسیر نیهیلیسم غربی کشانده شده است، روشنگر ماهیت کنونی این تمدن‌ها نیست، بلکه معرف تغییر جهت دید آنها، نسبت به آرمان‌های پیشین است. چگونگی این تقدیر، آنگاه آشکار خواهد شد که ماهیت تفکر آسیایی را نیز بشناسیم. اینک پرسش سومی مطرح می‌شود و آن اینکه: این جوهر مشترک، چگونه است و چه‌وجه افتراقی با تفکر تظوری غربی دارد؟ فقط پس از روشن کردن پرسش قرار ندھیم، در این باره توفیقی نخواهیم یافت. مورد پرسش قرار دادن، یعنی اتخاذ روش تفکر فلسفی. فقط با این روش است که می‌توانیم به ماهیت تفکر غربی و هویت خودمان بی‌بریم.»

## جوان

||روزنامه جوان || شماره ۶۴۶۶



دکتر داریوش شایگان، در یک گفت‌و شنود مطبوعاتی، در واپسین سالیان حیات

و مهم رویه‌رو هستیم و آن، چگونگی تقدیر تاریخی این تمدن‌هاست. هنگامی که سیر سریع تحولات کنونی آسیا را بررسی می‌کنیم، می‌بینیم که این تمدن‌ها، از آرمان‌های غربی تقلید می‌کنند و در نتیجه، پیرو جهات تحولی آنند، پس پرستی که از این ملاحظه برمی‌آید، این است که تقدیر تاریخی تفکر غربی چیست؟ اکنون که آسیا روی به آرمان‌های غربی دارد و حکم و بینش همان راه را دنبال می‌کند، تعیین تقدیر تفکر غربی و دگرگونی‌هایی که برخورد آن با شیوه‌های فکری در آسیا پدید آورده، می‌تواند بر توتی نو به جهت کنونی فرهنگ‌های آسیایی بیفکند.
این پرسش است: تقدیر تاریخی تمدن‌های آسیایی چیست؟ پرسش دیگری افزوده می‌شود و آن اینکه: تقدیر تاریخی تفکر غربی چیست؟ اگر فرض این باشد که این تقدیر، همان‌سیر نیهیلیسم است، یعنی تفکر غربی سیری را پیموده که جهت‌بینش آن را از دیات به امور دنیوی سوق داده است، پس نتیجه می‌گیریم که تمدن‌های آسیایی نیز به سبب اینکه دچار این وسوسه شده‌اند، به تدریج همین سیر نزولی را خواهند پیمود یا احتمالاً می‌پیمایند، ولی باز روشن شدن این قضیه، ماهیت فعلی این تمدن‌ها را معلوم نمی‌کند، زیرا گفتن اینکه آسیا به مسیر نیهیلیسم غربی کشانده شده است، روشنگر ماهیت کنونی این تمدن‌ها نیست، بلکه معرف تغییر جهت دید آنها، نسبت به آرمان‌های پیشین است. چگونگی این تقدیر، آنگاه آشکار خواهد شد که ماهیت تفکر آسیایی را نیز بشناسیم. اینک پرسش سومی مطرح می‌شود و آن اینکه: این جوهر مشترک، چگونه است و چه‌وجه افتراقی با تفکر تظوری غربی دارد؟ فقط پس از روشن کردن این سؤال سوم و دانستن اینکه ماهیت فرهنگ آسیایی چیست؟ و چه‌سنخیت با عدم سنخیتی با تفکر غربی دارد، می‌توانیم کیفیت کنونی این تمدن‌ها و جهت دگرگونی‌شان را در یابیم...»



عیانی از جمعاعت دوران نهضت ملی ایران